



آسیب‌شناسی بنیادین نظام آموزش و پرورش در تحقق عفاف و حجاب

محمدرضا آرام^۱

چکیده

تاکنون در باب عفاف و حجاب از منظرهای مختلف نگریسته شده است. عمده این نوشتگان تحلیل‌هایی فردمحور و برنامه‌محور بوده‌اند. در این میان فقدان تحلیل‌های ساختارمحور و بنیادین در آسیب‌شناسی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه ایران احساس می‌شود. در این پژوهش با استفاده از نظریه نیازهای انسان و روش تحلیل سیستمی به بررسی ساختار آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع ساختاری تحقق عفاف و حجاب می‌پردازیم. ولنگاری فرهنگی، بی‌عفتی و بدحجابی تا حد بسیار زیادی معلول سرکوب یا تعویق در تأمین نیازهای جنسی و فیزیولوژیک از راه درست آن -یعنی تشکیل خانواده- است. افراد معمولاً در سن دوازده سالگی به بلوغ جنسی می‌رسند. در این دوران مشغول تحصیل در آموزش و پرورش هستند که دوره طولانی مدت دوازده ساله از یکسو و تعلیم دانش غالباً ناپایدار و ناکارآمد با صبغه غالب علوم طبیعی از سوی دیگر، مانع تشکیل به‌هنگام خانواده است. درست است که به تعویق انداختن تأمین نیاز جنسی و شکاف میان بلوغ جنسی و اجتماعی لزوماً منجر به بی‌عفتی و بدحجابی نمی‌شود، اما این ساختار نقش مهمی در از دست دادن سرمایه تقوا ایفا می‌کند. آمار پژوهش‌های پیشین مبنی بر ارتباط حدود نیمی از جوانان دبیرستانی با جنس مخالف و ارتباط جنسی ارادی حدود ۳۰ درصد از آنها با جنس مخالف، گواه روشنی بر این مدعاست. بنابراین برای ترویج و تحقق فراگیر عفاف و حجاب نیازمند تغییرات بنیادین در ساختار آموزش و پرورش هستیم. کاهش سنوات تحصیل از دوازده سال به شش سال و تغییر محتوای غالب آموزش و پرورش از علوم طبیعی به علوم اجتماعی (احکام، عقاید، اخلاق) مهم‌ترین و مؤثرترین راه برای تحقق جامعه‌ای عفیف و محبوب است.

واژگان کلیدی: عفاف و حجاب، آموزش و پرورش، آسیب‌شناسی، خانواده، نیاز جنسی

مقدمه

امروزه در جوامع اسلامی کمتر کسی است که به اهمیت و کارکردهای عفاف و حجاب و وجوب آن در تعالیم اسلامی واقف نباشد. تمام دانش‌آموزان در درس دین و زندگی با این مهم آشنا می‌شوند، اما متأسفانه آمار و ارقام در باب حجاب روز به روز خطوط قرمز بیشتری را رد می‌کند.

از این رو مسأله اصلی پیش‌روی ما واکاوی آبشخور یا علل اصلی وقوع آسیب‌های اجتماعی شکل گرفته حول محور عفاف و حجاب است.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری با تحلیل‌های فردمحور و برنامه‌محور سعی در فهم عامل اصلی شکل‌گیری وضع موجود در باب عفاف و حجاب کرده‌اند و متناسب با فهم خود به توصیه‌ها و تجویزهای مختلفی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً افرادی مثل مسئولان، مدیران، کارگزاران فرهنگی، جامعه روحانیت و غیره را از یکسو و برنامه‌ها و قوانینی همچون قانون عفاف و حجاب، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، برنامه ششم توسعه و غیره را از سوی دیگر به عنوان عامل اصلی شکل‌گیری وضع نامطلوب عفاف و حجاب در ایران معرفی می‌کنند. نقطه ضعف اصلی این پژوهش‌ها فقدان کلان‌نگری در عرصه بررسی آسیب‌های اجتماعی است. بخشی از این کلان‌نگری

با بررسی و ارزیابی انتقادی نظامات و ساختارهای کلان جامعه همچون نظام آموزش و پرورش حاصل می‌شود که پژوهش‌های دیگر بر این مهم متمرکز نشده‌اند.

بنابراین مسأله اصلی ما در این پژوهش عبارت است از اینکه علت العلل وقوع بدحجابی و بی‌عفتی در جامعه اسلامی چیست؟

بر این اساس سؤال اصلی مقاله این است که متغیر مستقل نظام آموزش و پرورش چه تأثیراتی بر متغیر وابسته عفاف و حجاب دارد؟ و سؤالات فرعی عبارت است از: ۱. وضع موجود نظام آموزش و پرورش چه موانعی بر سر راه تحقق عفاف و حجاب ایجاد می‌کند؟ ۲. وضع مطلوب نظام آموزش و پرورش برای تحقق جامعه‌ای عقیف و محجوب چیست؟

می‌توان ادعا کرد مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری وضع موجود ناشی از ضعف در بینش‌ها و اطلاعات مذهبی نیست، بلکه بخش عمده‌ای از وضع موجود ثمره ساختارها و نظاماتی است که افراد جامعه را به سوی بی‌عفتی و بدحجابی سوق می‌دهد و شرایط را برای داشتن یک زندگی اسلامی عقیفانه دشوار می‌نماید.

مفهوم‌شناسی

عفاف: به معنای ملکه شدن خویشتن‌داری در برابر تمایلات و شهوات ناشایست نفسانی است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۸، صص ۲۱۹ و ۲۲۰).

حجاب: در لغت «به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب» (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۷۴). حجاب هم به معنای پوشش بدن است و هم به معنای عدم خودنمایی در برابر نامحرمان. اگر حجاب را به معنای هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه بدانیم، برای حجاب می‌توان اقسام فکری، ذهنی و روحی متصور شد (خوش‌فر، باقری، برزگر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۵). می‌توان حجاب را به نوعی از انواع ظهور و بروز ملکه عفاف در فرد دانست. حجاب مخصوص بانوان نبوده و شامل آقایان هم می‌شود.

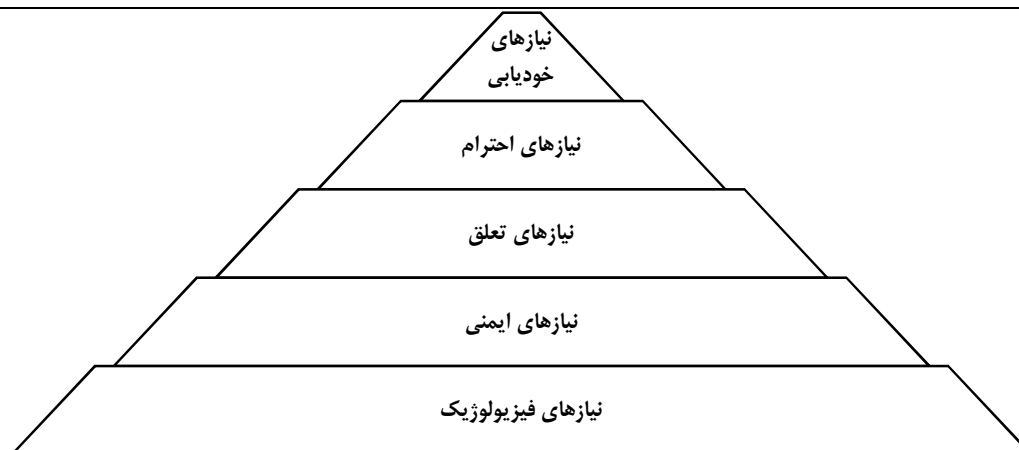
بلوغ اجتماعی: بلوغ اجتماعی بدین معناست که «فرد بتواند با اتکا به خود و بدون استمداد از دیگران، از عهده انجام کارهای خود در موقعیت‌ها و وضعیت‌های اجتماعی برآید» (احمدوند، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷ به نقل از پاکدامن و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

متغیر مستقل (Independent variable): متغیر مستقل متغیری است که «نیروها یا شرایط اثرگذار بر چیزی دیگر را تعیین می‌کند» (نیومن، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸).

متغیر وابسته (Dependent variable): متغیر وابسته متغیری است که «نتیجه یا پیامد متغیری دیگر است» (نیومن، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸).

چارچوب نظری

مبنای نظری این پژوهش بر مبحث نظریه نیازهای انسان استوار است. معروف‌ترین متفکر این نظریه آبراهام مازلو و هرم نیازهای اوست.



شکل ۱: سلسله مراتب نیازها در هرم مازلو (Maslow, 1970, pp 51-171)

با مبنا قرار دادن مفهوم نیاز می‌توانیم به موازین خوبی برای ارزیابی ساختارهای اجتماعی از جمله نظام آموزش و پرورش دست یابیم:

۱. تأمین برخی از نیازها یا حل پاره‌ای از مشکلات تعریف شده (کارویژه): کارویژه هر نهاد تسهیل تأمین برخی از نیازها یا حل پاره‌ای از مشکلات مشخص است. اگر یک نهاد موفق به تحقق کارویژه خود نشود و به تعبیر ماکس وبر- تبدیل به قفسی آهنین شود، شایسته تغییر و تحول است.

۲. هم‌جهت بودن نهاد با اهداف کلان حیات اجتماعی: در ارزیابی نهادها، باید میزان هم‌جهت بودن این نهادها با اهداف کلان و اسناد بالادستی را مورد توجه قرار داد.

۳. حل نیازها در رابطه‌ای همسو: تأمین نیاز یا حل مشکل در یک نهاد، نباید در رابطه‌ای متعارض صورت پذیرد. توضیح اینکه نهاد مطلوب نهادی است که حل نیازهای محوله در آن باعث ایجاد نیازها و مشکلات جدیدی نشود.

۴. حل دایمی نیازها: تأمین برخی نیازها یا حل پاره‌ای از مشکلات در نهادهای اجتماعی باید دایمی باشد نه موقتی و برای دوره زمانی خاص.

بنابراین در مورد نظام آموزش و پرورش باید بررسی شود این نهاد تا چه میزان کارویژه خود را به درستی انجام می‌دهد؟ آیا نظام آموزش و پرورش تأمین سلسله‌مراتب مختلف نیازهای بشری را تسهیل می‌کند یا اینکه با ایجاد مانع آنها را به تعویق می‌اندازد؟

روش‌شناسی

این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل سیستمی است. سیستم مجموعه‌هایی از عناصری است که با هم ارتباط متقابل دارند (برتالنفی، ۱۳۶۶، ص ۶۱). تجزیه و تحلیل سیستم‌ها به ما کمک می‌کند تا وضعیت موجود را به خوبی درک و مورد آسیب‌شناسی قرار دهیم و برای حل مشکلات و رسیدن به وضع مطلوب، بهترین راه حل را انتخاب و تجویز نماییم (حسین‌پور، ۱۳۹۵).

سیستم مناسب سیستمی است سازگار با محیط خود، پایدار، با بازخور، هماهنگ و بهینه. سازگاری یک سیستم به این معناست که قدرت این را دارد که در برابر عوامل محیطی واکنش نشان دهد، به نحوی که به تداوم سیستم کمک کند. سیستم سازگار پایداری را برای تمامی متغیرهایی که برای کارکردن در محدوده خاصی باقی بمانند، حفظ می‌کند. ماهیت، تقارن و میزان بازخور در یک سیستم اثر قطعی بر پایداری یا ناپایداری یک سیستم دارد. میزان هماهنگی در یک سیستم بستگی به هدف اولیه از ایجاد آن سیستم و عوامل محیطی دارد. منظور از بهینه‌سازی

سیستم سازگار کردن آن با محیطش است، به نحوی که از منظر خاصی بهترین عملکرد را تضمین کند (هال و فاگن، بی تا، صص ۲۹-۲۴).



شکل ۲: تحلیل سیستمی رابطه نظام آموزش و پرورش و عفاف و حجاب

ارزیابی انتقادی وضع موجود آموزش و پرورش در تحقق عفاف و حجاب

برای ارزیابی نقش آموزش و پرورش در تحقق یا تخریب فرهنگ عفاف و حجاب محتوای درسی در آموزش و پرورش و مدت زمان تحصیل دانش آموزان در این نهاد را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) رابطه محتوای درسی و عفاف و حجاب

انسان در این عالم به حصر منطقی چهار نوع رابطه برقرار می کند؛ رابطه با خود، رابطه با خدا، رابطه با دیگران و رابطه با طبیعت. عفاف و حجاب از مقولاتی است که بیشتر ناظر به رابطه با خدا و دیگران است پس برای ترویج آن باید به تقویت و تحول محتوای آموزشی برای تقویت رابطه با خدا و دیگران پردازیم؛ اما محتوای غالب آموزشی در آموزش و پرورش بیشتر ناظر به رابطه انسان با طبیعت آن هم با رویکرد پوزیتیویستی و غیر الهی است. احتمالاً علت اصلی صبغه غالب علوم طبیعی در آموزش و پرورش، ناشی از این تصور غلط است که ما عامل اصلی پیشرفت خود را در علوم طبیعی و تسلط بر طبیعت می دانیم. لذا از زمان تأسیس دارالفنون تاکنون، علوم طبیعی ماده اصلی درسی در مدارس و دانشگاه هاست. پس «آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه های ما و فلسفه ما نیست» (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۶/۰۵/۰۳).

این صبغه غالب علوم طبیعی و نصب العین و ملاک قرار دادن دلالت های آن، ناموزون با هستی شناسی و انسان شناسی کل گرا و توحیدی و ملتزم به وحی جمهوری اسلامی ایران است؛ در سطح هستی شناسی از حکمت متعالیه و انقلاب صدرایی سخن می گوئیم، اما در فعالیت های علمی و تجربی خود از امثال بیکن، حلقه وین و در بهترین حالت پوپر تبعیت می کنیم (افروغ، ۱۳۸۶، ص ۱۴).

جدول ۱: میزان دروس پوزیتیویستی در دو رشته ریاضی و تجربی

دروس پوزیتیویستی		رشته ها
دروس تجربی	دروس ریاضی	
۵۷ واحد (معادل ۱۷۱۰ ساعت)	۶۷ واحد (معادل ۲۰۱۰ ساعت)	ریاضی-فیزیک
۶۷ واحد (معادل ۲۰۱۰ ساعت)	۴۷ واحد (معادل ۱۴۱۰ ساعت)	علوم تجربی

(با فرض اینکه هر سال تحصیلی ۳۰ هفته دارد، واحد هر درس ضربدر ۳۰ شد و میزان ساعاتی که دانش آموز آن درس را فراگرفته به دست آمد).

ب) رابطه طول دوران تحصیل و عفاف و حجاب

نیازهای فیزیولوژیک جزء اولین و ضروری ترین نیازهای بشری محسوب می شوند. اگر موانعی بر سر راه تأمین به موقع و درست این نیازها ایجاد شود، انسان دچار اختلالات یا آسیب های جسمی و روحی می شود.

نیاز جنسی که یکی از نیازهای فیزیولوژیک بشری است - همچون دیگر نیازهای حیاتی - اگر به‌هنگام و از راه درست آن تأمین نشود، موجب اختلالات و آسیب‌های فردی، اجتماعی، جسمی و روحی می‌شود. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های این امر، ترویج بدحجابی و بی‌عفتی و فساد و فحشا در سطح جامعه است.

براساس آموزه‌های دین مبین اسلام، نباید فاصله زیادی میان سن بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی و ازدواج ایجاد شود. با توجه به دائمی بودن نیاز جنسی در طول زندگی، تنها راه دائمی و صحیح مدنظر اسلام برای تأمین این غریزه ازدواج دائم و تشکیل خانواده است. راهکارهایی مثل دعوت به تقوا و ازدواج موقت راهکارهایی موقتی بوده و بیشتر نقش مُسکن دارند تا راه‌حل.

بر این اساس مهم‌ترین مانعی که نظام آموزش و پرورش بر سر راه تحقق افراد و جامعه‌ای عفیف و پاکدامن می‌گذارد **طولانی بودن دوران تحصیل** است. دوران دوازده ساله تحصیلی خود منجر به بروز مشکلاتی می‌شود که مهم‌ترین آن ایجاد شکاف میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی و تشکیل خانواده است.

بلوغ جنسی در پسران معمولاً در حدود سنین پانزده و شانزده سالگی و در دختران در حدود سنین یازده و دوازده سالگی اتفاق می‌افتد (بانکی‌پورفرد، ۱۳۸۶، ص ۴۶)؛ اما امروزه، با گسترش وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی، آگاهی جنسی و در نتیجه بلوغ جنسی در نوجوانان زودتر اتفاق می‌افتد. رسیدن به بلوغ اجتماعی تا حد بسیار زیادی محصول واردشدن به عرصه عملیاتی زندگی و مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مخصوصاً ازدواج و بازار کار است.

به دلیل اینکه فرد با ازدواج از حصار نیازهای شخصی و منیت‌های خود خارج می‌شود، می‌توان تشکیل خانواده را نخستین گام و شرط لازم بلوغ اجتماعی دانست. اما در این نظام آموزشی، معمولاً افراد تا زمانی که موفق به اخذ دیپلم نشوند، هیچ ورودی به چرخه اقتصادی ندارند و نمی‌توانند تشکیل خانواده دهند.

لذا نظام دوازده ساله آموزش و پرورش کنونی یکی از عوامل اصلی به تأخیر انداختن بلوغ اجتماعی است؛ شش سال از بلوغ جنسی گذشته و فرد مجرد مانده و ورودی به بازارکار نداشته است. دو سال سربازی و متوسط چهار سال نظام آموزش عالی هم اگر به این سال‌ها اضافه شود، به معنای دوازده ساله شدن تحریک نیاز جنسی و عدم ارضای آن است.

بنابراین ما شاهد شکافی خطرناک میان بلوغ جنسی و بلوغ اجتماعی هستیم: بلوغ جنسی که معمولاً در حدود سن ۱۲ سالگی اتفاق می‌افتد و ورود به بازار کار که معمولاً بین سنین ۲۰ تا ۳۰ سال اتفاق می‌افتد. فرد با مدرک سیکل نمی‌تواند به راحتی وارد بازار کار شود و اگر هم موفق به این امر شود، به دلیل نامتناسب و ناکافی بودن آموزش‌های مدرسه با بازار کار و زندگی خانوادگی، فرد دانش و تخصص این امر را پیدا نکرده و در نتیجه ادامه این مسیر برای او بسیار دشوار خواهد بود.

در نتیجه از یکسو فرد به بلوغ جنسی رسیده است ولی از سوی دیگر به دلیل مانع بزرگ نظام طولانی مدت آموزش و پرورش امکان ارضای به‌هنگام و از مجرای درست این نیاز برای او بسیار دشوار است. لذا وقتی ارضای این نیاز از راه اسلامی و درست آن دشوار است، نوجوانان تن به راه‌های غلط، آسیب‌زا و موقتی ارضای این نیاز می‌دهند. دختران که در این سنین نیاز بیشتری به جلب توجه و محبت دارند به دلیل عدم امکان تشکیل خانواده و تأمین این نیاز، سرمایه عفت و حیا را از دست داده و با بدحجابی و آرایش سعی در دل‌ربایی از جنس مخالف - که نیاز جنسی در او غلیان دارد - می‌کنند. مهم‌ترین ثمره اجتماعی این شکاف گسترش فساد، فحشا، بی‌بندوباری،

بدحجابی و بی عفتی در سطح کلان جامعه است.



شکل ۳: رابطه آموزش و پرورش و بدحجابی

درست است که فاصله میان بلوغ اجتماعی و بلوغ جنسی لزوماً منجر به بزهکاری نمی شود و افراد می توانند با رعایت تقوای الهی مرتکب هیچ گونه ای از بزهکاری نشوند، اما نظام آموزش و پرورش کنونی به عنوان یک عامل ساختاری و محیطی با کمک ناخودآگاه در ایجاد فاصله میان بلوغ اجتماعی و بلوغ جنسی نقش مؤثری در ارتکاب بزهکاری و از دست دادن سرمایه تقوا ایفا می کند.

در پژوهشی که در سال ۱۳۷۶ از میان ۸۸۹ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله مجرد تهرانی انجام شد، مشخص گردید که ۶۲/۰۲ درصد از پسران و ۴۱/۰۸ درصد از دختران و در مجموع ۵۳/۰۸ درصد افراد تاکنون با جنس مخالف ارتباط داشته اند.

در پژوهش مشابه دیگری که در سال ۱۳۸۷ از میان ۳۸۴ نفر از دانش آموزان سال سوم دبیرستان منطقه ۵ تهران انجام شد، مشخص گردید که ۵۴/۰۲ درصد آنها تاکنون با جنس مخالف ارتباط داشته اند (طالبان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). در تازه ترین و مفصل ترین پژوهش منتشر شده درباره بزهکاری های دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران با جامعه آماری کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ مشغول به تحصیل بوده اند، یافته های مهمی به دست آمده است (رشید، ۱۳۹۴، ص ۴۱). در جدول زیر به مهم ترین بزهکاری های دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران اشاره شده است. تجربه کشیدن قلیان با ۵۱.۵ درصد، تجربه کشیدن سیگار با ۳۵.۲ درصد، تجربه رابطه جنسی با میل خود با ۳۰.۴ درصد، کتک کاری در بیرون از خانه (جز مدرسه) با ۲۸.۱ درصد و تجربه مصرف الکل با ۲۷.۴ درصد به ترتیب مهم ترین عناوین بزهکاری دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران بوده است. جالب توجه است که نسبت این بزهکاری ها در چهار رده سنی (۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ ساله) و پنج قومیت مختلف (فارسی، آذری، کرد، لر و سایر موارد) تفاوتی با هم ندارند (رشید، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

جدول ۲: مهم‌ترین عناوین پژوهشی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران (رشد، ۱۳۹۴، صص ۴۳ و ۴۴)

نوع پژوهشی	پسر	دختر	کل
تجربه کشیدن قلیان	۵۴.۰	۴۹.۱	۵۱.۵
تجربه کشیدن سیگار	۳۸.۵	۳۲	۳۵.۲
تجربه مصرف الکل	۳۲.۲	۲۲.۶	۲۷.۴
تجربه رابطه جنسی با میل خود	۳۳.۹	۲۷	۳۰.۴
رابطه جنسی اجباری	۱۷.۱	۱۲.۶	۱۴.۸
استفاده از کاندوم در آخرین رابطه جنسی	۴۶	۳۶.۴	۴۳.۷
کتک‌کاری در بیرون از خانه (جز مدرسه)	۳۶.۹	۱۹.۴	۲۸.۱
کتک‌کاری در مدرسه در ۱۲ ماه گذشته	۳۴.۲	۱۸.۳	۲۶.۲
اقدام به خودکشی در ۱۲ ماه گذشته	۹.۱	۱۰.۴	۹.۷

ارزیابی وضع مطلوب آموزش و پرورش در تحقق عفاف و حجاب

تبیین و تشریح وضع مطلوب نظام آموزش و پرورش برای تحقق هرچه بیشتر در جامعه و چگونگی آن خود نیاز به پژوهش‌های مستقل دیگری دارد، اما در اینجا با اختصار فراوان به برخی اصول و سرفصل‌های این تحول بنیادین و ساختاری در راستای تقویت عفاف و حجاب در جامعه اشاره می‌شود. علاوه بر تغییر محتوای غالب درسی از علوم طبیعی به علوم اجتماعی (احکام، عقاید، اخلاق) و کاربردی شدن هرچه بیشتر آن، سنوات تحصیل دانش‌آموزان باید به نصف زمان کنونی تقلیل یابد تا با امکان ازدواج و اشتغال به هنگام، نیازهای جنسی - به جای ارضا از طرق غیرشرعی در قالب بدحجابی و بی‌عفتی - از راه درست تشکیل به‌هنگام خانواده تأمین شود.

مدت زمان تحصیل در آموزش و پرورش، بستگی به کاربرد فراگیری دانش در این حوزه دارد که می‌توان با تفکیک مشاغل دانش‌بنیان و غیردانش‌بنیان، بازه‌های زمانی مختلفی پیشنهاد داد.

الف) دوران تحصیل مشاغل غیردانش‌بنیان: دوره آموزش برای مشاغل غیردانش‌بنیان باید کوتاه‌مدت و حداکثر نصف زمان کنونی (حدود هفت سال) باشد. با این دوره کوتاه و در عین حال آموزش ضمن خدمت، افراد از حدود سن ۱۴ سالگی، براساس استعداد و علاقه خود، می‌توانند وارد بازارکار شده و با تولید ثروت مقدمات تشکیل خانواده را فراهم کنند. کشف این استعدادها و علایق، امروزه با انجام آزمون‌هایی همچون استعداد تحصیلی و هوش و ارائه مشاوره مشاوران بسیار آسان شده است.

ب) دوران تحصیل مشاغل دانش‌بنیان: مشاغل دانش‌بنیان برای پیشبرد مرزهای علم نیاز به زمان طولانی‌مدت تحصیلی دارند. محدود دانشجویانی که پس از آزمون‌ها و امتحانات، موفق به قدم گذاشتن در این عرصه می‌شوند، باید معاش عادی آنها توسط نظام سیاسی تأمین شود یا اینکه فرصت کار پاره‌وقت برای ایشان فراهم گردد.

این تلقی از مدت زمان آموزش رسمی را می‌توان مطابق دستور امام صادق (علیه السلام) مبنی بر هفت ساله بودن دوران سوادآموزی دانست. «الْعُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۷). «پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام بپردازد» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۷۱۰۵).

همچنین در حدیث دیگری امام صادق (علیه السلام) به بیان شش ساله بودن سنوات سوادآموزی و تأکید بر آموزش ضمن خدمت پرداخته اند: «أَحْمِلْ صَبِيكَ تَأْتِي عَلَيْهِ سِت سِنِينَ ثُمَّ أَدْبُهُ فِي الْكِتَابِ سِت سِنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدْبُهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَخَلَّ عَنْهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۲). «فرزند خود را تا شش سالگی آزاد بگذار، سپس او را شش سال علم و سواد بیاموز. بعد از آن هفت سال او را با

خود داشته باش و آداب و تربیت‌های خودت را به او بیاموز. اگر تربیت‌پذیر بود و اصلاح شد که شده و گرنه او را به حال خود واگذار (محمدری شهری، ۱۳۷۷، ج ۱، ۱۰۶).

نتیجه‌گیری

«ما معتقدیم نهادهای آموزشی موجود نمی‌توانند مشکل را حل کنند؛ زیرا مشکل خود آنها هستند» (گاردنر، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵). نمی‌توان بذری را در مدارس دوازده سال کاشت و بر سر راه تأمین به‌هنگام و درست استعدادها و نیازهای اولیه و اصیل آن مانع ایجاد کرد و در عین حال توقع برداشت محصولی عقیف و غیور، محبوب و باحیا داشت. در این پژوهش دانستیم که رابطه مستقیمی میان عفاف و حجاب و سن اشتغال و ازدواج وجود دارد. هرچه امکان تأمین نیاز جنسی از راه صحیح تشکیل به‌هنگام خانواده به تعویق بیافتد، این نیاز از طرق نادرستی همچون بدحجابی و بی‌حیایی بروز و ظهور می‌یابد.

نظام آموزش و پرورش کنونی با دوران طولانی مدتی که دانش‌آموزان را مشغول فراگیری مواد درسی عمدتاً ناکارآمد و ناپایدار می‌کند، نقش به‌سزایی در مانع‌تراشی بر سر راه بلوغ اجتماعی و ازدواج و اشتغال به‌هنگام ایجاد می‌کند. نظام آموزش و پرورش می‌تواند با تقلیل حجم محتوای درسی و افزایش صبغه علوم اجتماعی بر علوم طبیعی و آموزش ضمن کار، شرایط مساعدی برای ازدواج و اشتغال به‌هنگام جوانان و در نتیجه یک زندگی عقیفانه فراهم کند. تا این اشکالات اساسی مرتفع نشود، اسناد و قوانین بالادستی در زمینه عفاف و حجاب تأثیر چندانی نخواهد داشت و آرمان‌های انقلاب اسلامی برای تشکیل جامعه‌ای اسلامی بر زمین خواهد ماند.

منابع

- احمدوند، محمدعلی (۱۳۸۲)، بهداشت روانی، تهران: انتشارات پیام نور.
- افروغ، عماد (۱۳۸۶)، محتواگرایی و تولید علم، تهران: سوره مهر.
- بانکی پورفرد، امیرحسین (۱۳۸۶)، مطلع مهر، راهکارهای جامع و کاربردی برای انتخاب همسر، اصفهان: حدیث راه عشق.
- برتالنی، لودویگ فون (۱۳۶۶)، مبانی، تکامل و کاربردهای نظریه عمومی سیستم‌ها (ترجمه کیومرث پریانی)، تهران: تندر.
- حسین‌پور، رضا (۱۳۹۵)، تجزیه و تحلیل سیستمی مرحله طراحی برنامه درسی در نظام برنامه‌ریزی درسی، در اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران.
- خوش‌فر، غلامرضا؛ باقری، فاطمه؛ برزگر، سمیه و نورمحمدی، لیلا (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن (مطالعه موردی شهروندان شهر گرگان)»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، شماره ۴، صص ۴۷-۷۳.
- رشید، خسرو (۱۳۹۴)، «رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پانزدهم، شماره ۵۷، صص ۳۱-۵۶.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰)، دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، قم: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدری شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمه، (ترجمه حمیدرضا شیخی)، قم: دارالحديث.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، مسأله حجاب، تهران: صدرا.
- نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۸۹)، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ج ۱، ترجمه حسن دانائی‌فرد و سیدحسین کاظمی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

هال. ا. د.، فاگن. آر. ای (۱۳۷۵)، نگرشی اجمالی بر نظریه سیستم‌ها، (ترجمه داوود سلمانی)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

Maslow, Abraham H. *Motivation and personality*, New York: harper & Row, 1970.

دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۵/۱۷. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3394>